



آن کیست ؟

قبل از ورود در اصل قضیه از اینکه بدین شیوه وبه زبان عامیانه و قشری پیام را به سیاسیون تازه کار و کهنه اندیشان و ساحل نشینان میرسانم پوزش میطلبم ولی از آنجاییکه این رویه را تنها راه بیداری وجدان های یخ زده و مبهوت میدانم خرسندم .

نامه ای از آقای ذکی داور پناه بدستم رسید که نشان میداد ایشان پیوند کمونیستها و سلطنت طلبها را ملغمه میدانند و در بیان دیدگاه هایش به هر دو گروه بد بین است اما بدبختی اینجاست که در طول تاریخ ایران نهضت آزادی چه تاج گلی بر سر ملت ایران گذاشته که مابقی حاشیه نشینان متن نویس مصمم شوند که ملت واپس گرای ایران را از دست ستم دینی ملایان برهانند؟! ما را به مدد شما امیدی نیست پس بیایید بار دیگر تاریخ ننگین ایران را مرور کنیم تا درس اول آدم شناسی را از تاریخ بیاموزیم:

امیدوارم فکر نکنید که میخوام بگم حکومت رضا شاه کبیر ایده آل بوده است، فقط میخوام یادآوری کنم که رضا شاه سگش به آخوند های انگلیسی میارزید. آنها بهت یاد دادند که رضا شاه انگلیسی است تا مبادا به واقعیت خودشان پی ببرید!

بعد از اینهمه جار و جنجال در تاریخ ایران بالاخره به مردم گفتند که انقلاب کردید و دشمن اصلی خودتان را بیرون انداختید! غافل از اینکه دروازه های ایران را بر روی قشون فرزندان فاطمه گشوده اند. اما چون سرکرده این قشون آقای خمینی باورش نمیشد که به این سادگی ایران را اشغال کرده باشد، کار را بدست بی لیاقت ترین گروه سیاسی زمان یعنی نهضت آزادی سپرد و انچنان این گروه را بد نام کرد که به بازگشت آنها به اندازه بازگشت سلطنت طلبان میتوان امتیاز داد. اما از آنجاییکه پرونده دین اسلام در ایام حکومت آخوندی کاملاً بر دریا نشینان دریا دل اشکار شده بنابراین کمونیست ها به یکباره فکر کرده اند که مسجد جای فلان است! نه اقا جان آگه بسیاری از ملت فهمیده اند که اسلام یک دین واپس گرا و بدنبال حکومت است دلیل آن نیست که به افکار پوسیده و منسوخ کمونیستی لبیک بگویند. شما بهتر است که بروید و کشکتنان را جای دیگری بسایید. به این ترتیب هر سه شما مرخصید به نحوی که نام هر یک از شما مردم را بیاد تهدید مسلمین در جنگ قادسیه میاندازد. بر میگردیم و نیم نگاهی به این جنگ میاندازیم.

"بعد از استقرار سعد در حیره و گرد آمدن اعراب گرسنه به دور او، فرخ زاد فرمانده وفادار یزگرد سوم تصمیم میگیرد تا در جنوب عراق جلوی تهاجم اعراب را بگیرد ولی در هر بار مذاکره با آنان فقط سه چیز میشوند، "اسلام بیاورید یا جزیه بدهید و یا بجنگید"

(خواندن کتاب های خنجی در بخش فروپاشی را توصیه میکنم) و کسانی که با تاریخ ایران آشنایی دارند خوب میدانند که ایرانیان هیچگاه اسلام نیلوردند و در جدال خونین اعراب آنزمان در کنار فرمانده ملی خود آقای فرخزادجان باختند و اعراب خانمان ایرانیان را به آتش کشیدند و زنان و کودکان آنانرا به کنیزی و بردگی به بازار های برده فروشان بردند تا به سنت اسلامی معامله شوند و قریب به 100 سال بر ایران حکومت راندند و بدنبال آن مملکت را به عباسیان سپردند تا چند صد سالی هم آنان به تغییر نام و نژاد ایرانیان پردازند تا آنجا که باورشان شود که عمامه مشکی ها ایرانی هستند!

بسیاری از ملت امروز ایران که زاده اعراب زمان هستند از وضع امروز خود رضا دارند آنها از انتخاب احمد نژاد که حتی تاریخ ایران را نمیداند راضی هستند آنها میخواهند بر سر سفره اشان بمب اتم سبز شود با این استدلال که چون پری بلنده بمب داره چرا ما نداشته باشیم! آنها میخواهند قدس را آزاد کنند و اسراییل را از صفحه تاریخ حذف کنند! قدسی که از ابتدا در اختیار یهود بوده و محمد پیامبر مسلمین نتوانست آنرا آزاد کند! و بالاچار مکه را خانه خدا کرد. آنها میخواهند کار نیمه تمام محمد را با بمب اتم کامل کنند. و دولتشان چون از حمایت مردمی بهره مند است میخواهد به سبک هیتلر که از حمایت مردمی برخوردار بود کار جهان را یکسره کند. و شما ساحل نشینان به دنبال این هستید که بفهمید ملغمه کمونیست ها و سلطنت طلبان از چه صیغه ایست؟! همانطور که شاه بدنبال این بود که بفهمد مارکسیسم اسلامی چیست؟! وای بر شما ساحل نشینان تن پرور که داعیه اداره ایران را در سر می پرورید و وای بر ملت ایران که پشتیبانانی چون شما نابخردان دارند. از قدیم میگفتند بچه فلان از ریق زردش پیدا است! مملکت بدست فرزندان فاطمه اشغال شده و شما بدنبال ارث و میراث زنده ایی هستید که بدنش بوی تعفن گرفته بیاید در هر مسلک و مرام قراضه ایی که هستید ابتدا بوی اسلام را از بدن نیمه جان این کشور بزدایم و سپس به سبک عراق و ما مانده که در حال تمرین دموکراسی است با آزادی احزاب از هر نوع چه ملغمه و چه شلغمه دوران شکوه عظمت ایران را به آن برگردانیم و بجای مجسمه خمینی و سایر امامزاده ها مجسمه رستم فرخزاد را در میدین کشور بالا ببریم. مشکل امروز اشغال کشور بدست امام زاده هاست و برای از بین بردن آن هر ملغمه ایی مجاز است بجز ملغمه هایی که بوی متفعن اسلام از ان دراید.

گفتار دوم

جنگ سرنوشت سازقادیسه

تلاشهای رستم فرخزاد برای حفظ مرزهای جنوب عراق

چندماه بعد از استقرار سعد در حیره و گردآمدن نیروهای عرب در پیرامون او رستم فرخزاد فرمانده ارتش و نیرومندترین حامی یزدگرد سوم بر آن شد که با استقرار در جنوب عراق جلو تهاجمات عربان را بگیرد و مرزهای ایران را حفاظت کند. او که نیروی کافی در اختیار نداشت و شاه مورد حمایتش را خطرات داخلی تهدید میکرد خیال داشت که به وسیله‌ئی با مدینه وارد مذاکره شود و امتیازاتی به عربان بدهد و احتمالاً زمینهایی را که در سه سال اخیر در شرق و شمال عربستان متصرف شده بودند به آنان واگذارد و در عوض مانع تهاجمات بیشتر آنان به درون عراق شود. او یقین داشت که قادر نخواهد بود که در بیابانهای عربستان دست به تعقیب عربها بزند. نزدیکترین تجربه تا کام سپاه تیسپون در مقابله با عربها تجربه در جنگ ذی قار بود که بالاتر به آن اشاره شد. عربها با آشنایی‌ئی که نسبت به گریزگاههای بیابانی داشتند به راحتی میتوانند از جلو او به درون بیابانها بگریزند و با سختیها بسازند و جانشان را نجات دهند تا دوباره در فرصت مناسب دست به حمله بزنند. ولی برای سپاه نظامی یزدگرد مقدور نبود که در این بیابانها پیشروی کند، زیرا در چنین صورتی هلاک شدن افراد سپاه از تشنگی در بیابانها حتمی به نظر میرسید. و آنگهی پیشروی سپاه در بیابانهای عربستان هیچ سودی برای ایران نمیتوانست دربر داشته باشد، زیرا راه فرار عربها به درون بیابانهای دور از دسترس هموار بود و آنان قادر بودند خودشان را از خطر برهانند

از اینکه می بینم اشغالگران ایران از ایرانیان با هوشترند خشمگین میشوم به هر حال میهن پرستی تعارف بردار نیست ، امیدوارم منزه و بدور از کینه و غرور و با لبی خندان اون کیه 2 را بخوانید این بار شناخت را قدری بر پایه سیاست بنا مینهم و متذکر میشوم در این بخش جایی برای منافقین و مسلمین وجود ندارد و این بدان معناست که مقابله با تفکرات ضد بشری در هر مرامی منجمله دموکراسی یک اصل است یک انسان دموکرات مجاز نیست در گوشه ای از

جهان بنشیند و نظاره گر جنایات مسلمین باشد و بگوید نجات عراق و افغانستان و در آینده ایران فقط یک اشغال نظامی از سوی امریکا است پس این بار از باب سیاست به ریشه یابی مشکلات می پردازیم :

خوب یا بد سالهاست در ایران کسانی در امر سیاست فعال شده اند که نه رشته تحصیلی آنان با این علم منطبق است و نه بدرستی میدانند که سیاست چیست! کما اینکه در سالهای اخیر وزیر خارجه ایران دکتر کودکان بوده است که نه علم خود بیاموخت و نه راه رفتن کبک را تقلید نمود او هم مثل سایرین از پدران خود که سواد کلاسیک نداشتند آموخته بود که سیاست یعنی دروغ و سیاستمدار یعنی دروغگو! پس تا به امروز شیوه سیاسی ایرانیان دروغ گفتن به ملت ایران و دنیا بوده است و هر کس که راه علمی سیاست را پیشه کرده همچون مصدق با دنیا بدروغ گفته است حال آنکه دروغ گویان توانسته اند به مقامات بالایی دست یابند از باب مثال خمینی فرزند فاطمه برای اشغال ایران و سرنگونی حکومت پهلوی همه را به وحدت کلمه دعوت کرد و از تمامی ادیان و فرق خواست "همه با هم" گرد هم آیند و هر ملغمه ای که میخواهند بسازند ولی فقط بگویند شاه برود وقتی که موفق شد شاه را بیرون کند در بهشت زهرا گفت "برق - آب - نان و نفت" باید مجانی باشد! مشکل ما چادر نیست! ما میخواهیم کاپیتولاسیون نباشد! همه احزاب مجازند که فعالیت کنند! و هزاران دروغ دیگر ولی به محض تقویت پایه های حکومت امامزاده ها و فرزندان فاطمه بلایی سر بازرگان آوردند که دیوانه شده بود و در جنگ هایی طولانی انچنان احزاب پیشگام و پسگام را قلع و قمع کرد که به دیکتاتوری پینوشه زکی گفت و امروز از ملت ایران بردگانی ساخته که خود به باربری کاپیتولاسیون اسلامی افتخار میکنند! و از قتل های زنجیره ای و کشتار زندانیان سیاسی بر خود می بالند اینها و طرفداران هیتلر تنها ملتی از دنیا هستند که توانسته اند عکس رهبر خود را در ماه ببینند! بد نیست به نمونه ایی از قوانین اسلامی که منطبق با ان ایرانیان را محاکمه میکنند بیشتر آشنا شوید.

"صفحه 46 شرح قوانین مجازات اسلامی دکتر زراعت"

ماده 63 تصریح دارد برای تحقق زنا تفاوتی ندارد که آلت تناسلی مرد داخل جلو زن شود یا عقب اما فقها در این مسئله اختلاف نظر دارند و گروه زیادی از ایشان زنا را در صورتی محقق میدانند که آلت مرد داخل جلوی زن شود. از طرفی ماده 1092 قانون مدنی میگوید اگر مردی زنی را مس نکند و او را طلاق دهد باید نصف مهر او را بدهد (مطابق قرآن نیست) ولی اگر از عقب دخول کرده باشد باید تمام مهر را بدهد. از طرف دیگر چون دخول از عقب مشمول قواعد لواط میشود و طبق ماده 108 قوانین مجازات اسلامی لواط به معنی وطی انسان مذکر است بنابر این بین علما و فقها و اندیشمندان اسلامی اختلاف نظر میافتد. و یا آنجایی که آقای رسما جانی توشیح کرده اند نرخ بیضه چپ مردان از دیه کامل زن بیشتر است را چیزی جز کاپیتولاسیون اسلامی میدانید؟ موضوع اینجاست که باید کاری کنید که علف به دهان بزی شیرین آید. به این روش میگویند اداره ملت با سیاست دروغ پراکنی تا مرز شیرین کردن زهر به دهان عوام.

به نظر میرسد که همه باور کردید راه سرنگونی رژیم آخوندی ساخت و پرداخت دروغی تازه و همدستی تمامی آرا و عقاید و از هر نوع ملغمه ای است! اما نه این روش دانش فنیست دست آخوند هاست و حنای شما رنگی نداره فرزند فاطمه نزد ایرانیان بسیار عزیز هستند به نحوی که کشتار آنان برایشان کشتن ظل الله را بیاد میآورد! به این ترتیب مجبورید که بپذیرید هیچ راهی برای سرنگونی حکومت امامزاده ها ندارید مگر اینکه افکار ملت را تغییر دهید که این هم در کوتاه مدت ممکن نیست کما اینکه رستم فرخ زاد به نمایندگان اعراب گفت من نمیتوانم در مدت سه روز ایرانیان را از زرتشت برگردانم پس تن به جنگ داد جنگی که سلطه آنان بر ایران را پایدار کرد باید بدانید که اخراج بن لادن از افغانستان یک نعمت برای ملت افغانستان بود و امروز مردم افغانستان از عملکرد آمریکا بسیار خرسندند آمریکا همچون چاقوی جراحی غده چرکین اسلام را از سرزمین افغانه بیرون آورد ولی آنچنان باور های اسلامی در آن ملت ریشه دوانده که نمیشود انتظار داشت بزودی بوی تعفن از آن سرزمین دور شود.

من در این مرحله کاری به این ندارم که بن لادن را چه کسی پرورد و چه کسی حذف کرد فقط مصرم تا به شما تفهیم کنم حضور آمریکا یک الزام برای خشکاندن یکی از مراکز تولید پشه مالاریا در جهان بوده است و به همین ترتیب نجات عراق از دست صدام هدیه دیگری از سوی آمریکا و متحدانش به عالم بشریت بوده است به هیچ وجه نگران این نباشید که در فلوجه چه گذشته است فقط بدانید دموکراسی با ید تمامی ریشه های تولید پشه مالاریا در جهان را بخشکند تا جهانی دموکرات و ازاد اندیش پدید آید. امروز جرثومه های فساد اسلامی در ایران و سوریه خود نمایی میکنند و اگر بشریت اجازه دهد اینها بیش از این عمر کنند فجایع بیشتری برای مردم بیگناه در جهان رخ خواهد داد بنابراین نه تنها حضور آمریکا در این کشورها را اشغال ندانید بلکه التماس کنید تا آمریکا منت گذارد و ایران را از شر امامزاده ها نجات دهد دقت کنید گفتم ایران را و نه موجوداتی به نام ایرانی را که در ایرانی بودنشان جای تردید است.

بگذارید یک بار مرور کنیم که چرا تنها راه نجات بشریت حمله نظامی آمریکا و متحدانش به ایران و عراق است:

1) احزاب سیاسی ایران در طول 27 سال اشغال ایران توسط امامزاده ها همگی قلع و قمع شده و از ایران گریختند تعدادی هم که بعثت مسلمان بودن در ایران باقی ماندند بدرد خواجهی حرم سرای امامزاده های زنده میخورند.

2) گروه ها و دستجات خارج ایران نمی توانند با هم متحد شوند و نام هر اتحادی را ملغمه میگذارند بنابراین اینها اول باید بروند مشکل خودشان را حل کنند.

3) بسیاری از گروه های سیاسی خارج از کشور در طول سنوات اخیر پول دار شده و به این نتیجه رسیده اند که سری که درد نمیکند را دستمال نبندند از طرفی از انجاییکه ایرانیان را چون به جوشون کنند رفاه طلب و مسلمانند پس حالا که به مال و منال دنیا دسترسی پیدا کرده اند خود بخود به فکر یک آخرت مرفه هم افتاده اند تا در ویلایی کنار نهر های آب و

در جوار میوه های بهشتی سالها بدون درد سر و در آرامش ابدی زیست کنند فلذا سالانه انبوهی از آنان از آمریکا راهی مکه و اماکن مذهبی میشوند تا گناهی را که در جوانی در نایت کلاب ها در پرونده اشان ثبت کرده اند را پاک کرده سر خدا هم کلاه بگذارند و کلید بهشت را با یک سوئیت مجهز و پر از حوریان بهشتی دریافت کنند!

4) تک پرون های سیاسی هم چون منسجم نیستند هنوز خط مشی متحدی پیدا نکرده اند بعضی از ملت ایران و گروه های سیاسی نا امید شده تنها راه نجات را حمله نظامی آمریکا میدانند و بعضی معتقدند این مشکل ربطی به آمریکا ندارد و باید خودمان حل کنیم! بعضی هم بدنبال شاه جدید میگردند و بعضی هم به اصلاحات در نظام فعلی اکتفا کرده اند غافل از اینکه یک اشغالگر در راس اداره کشورشان نشسته.

صدها سال قبل و در زمان المامون عباسی سروکله امام و امام زاده ها پیدا شد ابتدا با زور و شمشیر های زنگ زده و بعدها با تزریق عقایدشان به تاسیس و گسترش زیارتگاه ها و قدمگاه ها پرداختند و بتدریج ایرانیان را استحاله فرهنگی کردند تا آنجا که با افتخار اسامی غلام(برده)عباس و غلام حسین و غلام رضا را برای فرزندان خود برگزیدند و زنان خود را نیز دو دستی به آنها سپردند تا اینکه جمعیتشان گسترش یافت و بر احوالی در ایران به تبلیغ اسلام پرداختند و شاهان نشستند تا مراکز و پایگاه های آنان مستحکم تر شود کمک اینکه امروز در انگلستان , کانادا و فرانسه هم به این جانور ها اجازه اقامت و حیات داده شده و بالاخره در قادسیه دوم و در سال 1357 شمسی موفق شدند آخرین حکومت ایرانیان بر ایران را سرنگون کنند و نام این جنگ و اشغال کشور را انقلاب نهادند بلا فاصله همانند اجدادشان به تخریب آثار شاهنشاهی و تغییر اسامی خیابان ها و شهر ها پرداختند تا هیچ اثری از ایرانیت در ایران باقی نماند و مساجد را محل امنی برای تولید پشه مالاریا یافتند و آنقدر پشه تولید کردند که امروز امکان تشخیص آدم و پشه در ایران دشوار شده آنهایی هم که هنوز نیششان آلوده به مالاریا نشده دعوایشان سر این است که چگونه باید نیششان به مالاریا آلوده شود. حال خود دانید بنشینید تا محصولتان را در اصلاحات ببینید! همانطور که فرانسه فقط 14 روز آنرا دید.

پنجشنبه، 04/05/2006

عراقی